



سنگین و فشرده است و قابل تحمل نیست. ایشان نیز در مقابل بحث می‌کردند که اینها لازم است، سنگین نیست بلکه باید بیش از این نیز باشد.

لازم است تذکر دهم عمدتاً رابطه آیت‌الله قدوسی با طلاب مدرسه، رابطه استاد و شاگردی نبود، بلکه رابطه پدر و فرزندی بود و حتی در مسئله زندگی افراد هم ایشان حضور و رایزنی و دخالت داشتند. طبیعتاً ایشان در مسائل ازدواج طلاب و حتی کوچک‌تر از آن، با اشراف و بزرگواری، حدانکسر تلاش و خدمت را انجام می‌دادند. غیر از طلاب، دوستان هم ایشان را تنها استاد خودشان نمی‌دانستند، بلکه در حد پدر و مادر و یار و مددکارشان در همه زمینه‌ها تلقی می‌کردند و این موجب شد که فقدان ایشان در دوستان بیشتر اثر گذاشت.

از رابطه آیت‌الله قدوسی و نهضت امام و فعالیت‌های سیاسی که در آن دوره انجام می‌شد، اگر نکته خاصی در ذهن دارید بفرمایید.

آقای قدوسی اعتقاد به مخفی بودن و علنی نبودن کارها داشتند؛ بنابراین ارتباطات ایشان برای ما خیلی روشن و واضح نبود. اما جوی که ایشان در مدرسه با آن مخالفتی نمی‌کردند، جو طرفداری از انقلاب و پیشروی در انقلاب بود. در کارهایی که در حوزه علمیه قم انجام می‌گرفت، آیت‌الله قدوسی جزو پیشتازان بودند و در صف اول مبارزه بودند و برخورد رژیم هم این مطلب را می‌رساند چون چند بار با ایشان برخورد شد.

نوعی از کادرسازی را ما در مدرسه حقانی شاید به‌صورت پیش‌بینی نشده شاهد بودیم. بعد از انقلاب افرادی که در این مجموعه تحصیل کرده بودند، توانستند بسیاری از بارهای انقلاب را در زمینه‌های مختلف به‌دوش بکشند، در مورد خود حضرت عالی چگونه وارد دستگاه قضایی شدید و

آقای قدوسی اعتقاد به مخفی بودن و علنی نبودن کارها داشتند؛ بنابراین ارتباطات ایشان برای ما خیلی روشن و واضح نبود. اما جوی که ایشان در مدرسه با آن مخالفتی نمی‌کردند، جو طرفداری از انقلاب و پیشروی در انقلاب بود.

آنها بود.
از تدریس گلستان، اخلاق و دروس دیگر توسط آیت‌الله قدوسی خاطره‌ای دارید؟

تدریس ایشان زیانزد بود. مسئله شاخص در تدریس ایشان خلوصشان بود. صحبت‌ها و مطالبی که می‌فرمودند خصوصاً در درس اخلاقشان بارز بود، که اواخر هفته برگزار می‌شد و تأثیر خاص و به‌سزایی در شاگردان داشت و همان سرمایه‌ای ماندگار برای طلبه‌هایی شده است که در آنجا بودند و بعداً منشأ تحول در مملکت شدند و هستند.

برخی از دروس یا نحوه تدریس آنها گاهی مورد اعتراض طلاب مدرسه قرار می‌گرفت. به یاد دارید که واکنش ایشان نسبت به این انتقاد و اعتراضات چه بود؟

ایشان به دلیل علاقه وافر به کارشان، برنامه‌های مرتب و منظمی داشتند و دوستان و همکاران به‌خاطر فشرده‌گی و زیادی برنامه‌ها، انتقاد می‌کردند، اعتراض دیگری نبود، جز اینکه مثلاً می‌گفتند برنامه‌ها برای ما

سابقه آشنایی شما با آیت‌الله قدوسی به مدرسه حقانی بازمی‌گردد یا پیش از آن نیز ایشان را می‌شناختید؟

نه آشنایی دیگری نداشتم و آشنایی من با ایشان از مدرسه منتظریه یا حقانی آغاز شد. مدیریت خوب شهید آیت‌الله قدوسی و بزرگان دیگر مثل شهید بهشتی و آیت‌الله جنتی، سبب کشیده‌شدن من به این مدرسه شد. مدیریت ایشان به‌قدری روشن است که نیازی به گفتن نیست. پیگیر امور و قضایای مدرسه بودند، خلوصشان و پشتکارشان باعث شده بود که افراد جذب شوند و ایشان زبان‌زد همه باشند.

تفاوت مدرسه منتظریه با مدارس مشابه چه بود که موجب علاقمندی شما به این مدرسه شد؟

در شرایط نیمه دوم دهه چهل، بین سال‌های چهل و پنج تا پنجاه، چنین مدرسه‌ای در قم نبود یا خیلی کم بود. طلابی بودند که به صورت فردی به دنبال کار و تحصیل بودند، اما مدرسه منظمی به این صورت وجود نداشت. این مدرسه امتیازهای بسیاری داشت. داشتن برنامه‌های منظم و درس‌های مختلف، مثل دروس حوزه و دروس لازم، اما غیرمتداول در حوزه و شیوه خاصی که آیت‌الله قدوسی و همکاران‌شان اعمال می‌کردند و نحوه مدیریتشان به این صورت در بیرون وجود خارجی نداشت.

دروس غیرمتداول این مدرسه که تدریس می‌شد چه بودند؟

دروسی که طلاب برای کارهای خودشان نیاز داشتند؛ مثل زبان‌های متداولی چون انگلیسی و بعضی درس‌های جنبی مثل ادبیات یا فیزیک و شیمی در حدی که طلبه‌ها برای کارهای تخصصی بعدی‌شان نیاز داشتند که اینها در حوزه متداول نبود. دروس دیگری که در آنجا پیش‌بینی کرده بودند، بحث‌های روان‌شناسی و امثال

جای امثال ایشان پر نشد...

«شبهه‌های مدیریتی شهید قدوسی» در گفت و شنود

شاهد یاران با حجت الاسلام ابوالقاسم رامندی

درآمد

شبهه‌های مدیریتی شهید قدوسی، به‌ویژه در دوران اداره مدرسه حقانی بدان پایه کارآمد و درخشان بود که فارغ‌التحصیلان آنجا توانستند در هر منصبی که هستند، موجب تحولات ارزشمندی در مسیر خدمت به انقلاب شوند. این شبهه‌ها را می‌توان به عنوان الگوی شایسته در مدیریت اسلامی، برای استفاده مدیران اجرایی تئوریزه کرد. در این گفتگو به بخش‌هایی از این شبهه‌ها اشاره شده است.



رسیدگی و سر و سامان گرفتن نبودند. البته الان که کارهای شبانه روزی دوستان در تهران و شهرستان‌ها برای دیگران نقل می‌شود، از نظرشان قابل تحمل و قابل قبول نیست که به این تعداد پرونده بشود در آن مدت رسیدگی کرد و رای داد. اینها به خاطر تلاش‌های شبانه روزی و وظیفه‌شناسی و انجام وظیفه بدون توقع پادشاه‌پرهیزی و دنیاپرسی و برای همه متداول بود، مخصوصاً برای کسانی که در راس بودند، مثل شهید آیت‌الله قدوسی و شهید آیت‌الله بهشتی که افراد دیگر طبیعتاً با مشاهده آنها به کار کشیده می‌شدند و زمینه برای مطرح شدن این حرف‌ها نبود که در فکر این باشند که حقوقی باید بگیرند و ساعت کاری و اضافه کاری داشته باشد و پستی داشته باشد و آیا پستی که به او می‌دهند، در حد او هست یا پایین‌تر از اوست. آنچه مطرح بود، انجام کار و وظیفه بود و این حالت حتی برای مردم معمولی هم عادی بود.



و مورد تاییدشان بودند، برای مقامات حساس قضایی منصوب شوند.

علت جوسازی‌های مطبوعات علیه ایشان در آن مقطع چه بود و ایشان با آن چگونه برخورد کردند؟ مطبوعاتی که با ضدانقلاب ارتباط داشتند، این کار را انجام می‌دادند و گرنه مطبوعات زاینده از انقلاب و در خط انقلاب با ایشان مسئله‌ای نداشتند و در جهت و هدف ایشان بودند، منتها روزنامه‌های خارجی و مجلاتی که در ایران بودند و سر در آخور دیگران داشتند، خودبه‌خود با کارهای انقلابی و اسلامی که ایشان داشتند موافق نبودند و از پایه و بنیان با هم تضاد داشتند. آیت‌الله قدوسی فکر و هدف دیگری داشتند و در اصل انقلاب و نظام و انقلابی که حضرت امام پایه‌گذاری کرده بودند، پیش می‌رفتند و خودبه‌خود در آن زمان مثل زمان پیامبر و ائمه نیز نمی‌پسندیدند. ایشان معتقد بودند که ارزش‌های اصیل اسلامی باید پیاده شود که مورد مخالفت و حسد افرادی که با این مسائل میانه‌ای نداشتند قرار می‌گرفت، والا افراد انقلابی و طرفدار انقلاب با ایشان مشکلی نداشتند.

با توجه به اینکه حضور شما در قوه قضائیه امتداد داشته است؛ چه نکات ویژه‌ای را در کارنامه آیت‌الله قدوسی می‌بینید؟

همان ویژگی‌هایی بود که باعث انتصاب ایشان شده بود و در جاهای دیگر کمتر دیده می‌شد. خلوص و مدیریت را که در آنجا دیده می‌شد و سعی و وسعت کاری را که محور کار ایشان بود، در جای دیگر نمی‌دیدیم و فقراً آدم احساس می‌کند کسی که از دست رفته است، دیگر جایش پر نشده است. به تعبیر روایات ثلم فی الاسلام ثلمه لایسدها شیء، ثلمه‌ای که در اسلام وارد می‌شود، دیگر چیزی جایگزینش نمی‌شود و این بزرگانی که از ما گرفته شدند، کسی نتوانسته است جایشان را پر کند مثل آیت‌الله قدوسی و شهید بهشتی که کسی نتوانسته جای خالی‌شان را پر کند. البته تلاش‌هایی که بعد از آنها کردند، قابل تقدیر هست، اما قابل قیاس با آنها نیست. ■

مثلاً ازدواج‌هایی که در آن زمان صورت می‌گرفت با ازدواج‌های الان از زمین تا آسمان فرق داشت و قابل قیاس نیست. در فکر این چیزها نبودند. و خاطرات و مطالبی را که از شهدای بنام، چه از افراد نظامی یا غیرنظامی و افراد عادی باقی مانده است، اگر بررسی کنیم می‌بینیم که جو دیگری بود. اگر الان کسی کمی کاری شبیه به آن روزها انجام دهد، غیرعادی به نظر می‌رسد و به او می‌گویند پنجاه و هفتی یا پنجاه و هشتی کار می‌کنی! اخلاصی که در آن زمان بود، انسان را به یاد صدر اسلام می‌آنداخت.

آیت‌الله قدوسی چه ویژگی‌هایی داشت که حضرت امام حکم دادستانی کل انقلاب را برای ایشان صادر کرد؟

آیت‌الله قدوسی ویژگی‌های بسیاری داشتند، از جمله توان بالای مدیریتی و علمی ایشان، سابقه‌ای که در

آیا آیت‌الله قدوسی در این زمینه نقشی داشتند؟

اینکه روشن است چون ایشان و آیت‌الله بهشتی از مسئولین و گردانندگان مدرسه بودند و بعد مسئولیت مهمی در مملکت و دستگاه قضایی داشتند و طبیعی بود به دلیل آشنایی و شناختی که از دوستان داشتند، در کارهایی که بیشتر آقایان در آنجا شاغل بودند، مشغول شدند، بعد از پیروزی شکوهمند نهضت انقلاب اسلامی خود شهید بهشتی رئیس قوه قضائیه شدند و آیت‌الله قدوسی هم در شورای عالی قضایی و دادستان کل انقلاب بودند و طبیعی است بودن اینها در این مناسب، باعث می‌شود دوستانی که با ایشان آشنا بودند و از شاگردان ایشان بودند و ارادت خاصی داشتند و ایشان هم شناخت کافی از آنها داشتند، خودبه‌خود در مناسب قضایی از آنها استفاده معمولی را ابتداء انجام می‌دادند. حضور ما هم در قوه قضائیه به دلیل دعوت آیت‌الله قدوسی بود و اگر ایشان نبودند، اصلاً ارتباط ما با قوه قضائیه برقرار نمی‌شد.

البته خود آیت‌الله قدوسی هم به اجبار به کارهای قضایی کشیده شدند و بعد از آن خود به خود افرادی را که می‌شناختند و رابطه کاری با آنها داشتند، با خود آوردند و مشغول به کار کردند. شرایط در ابتدای انقلاب با حالا فرق می‌کرد. جو انقلابی بود و بین تمام افرادی که کار می‌کردند، چه سطح بالا، چه میانی و چه سطح پایین، نه ساعت کار مهم بود و نه اضافه کار. برای خیلی از افراد اصلاً حقوق هم مهم نبود و حقوقی نمی‌گرفتند و این چیزها متداول نبود، چون انقلابی بود که به دست خود مردم به وجود آمده بود و خود افراد نیز در جریان انقلاب بودند، خودشان صاحب و بانی انقلاب بودند و طبیعی است که این بار را به دوش می‌کشیدند و نه تنها هیچ توقعی نبود و استفاده‌ای نمی‌شد، بلکه شب و روز بدون اینکه وقتی تعیین شود یا اینکه روز تعطیل و غیرتعطیل را در نظر بگیرند، کار می‌کردند. اگر این گونه نبود و کارهای متراکم اول انقلاب، بسیج‌وار و تمام وقت انجام نمی‌شدند، آن همه پرونده‌های ضدانقلاب و طرفداران رژیم، هیچ‌گاه قابل

افراد طبیعتاً با مشاهده شهید قدوسی و شهید بهشتی به کار کشیده می‌شدند و زمینه برای مطرح شدن این حرف‌ها نبود که حقوقی باید بگیرند و ساعت کاری و اضافه کاری و پستی داشته باشند. آنچه بود، انجام کار و وظیفه بود و این حالت حتی برای مردم معمولی هم عادی بود.

مدیریت مدرسه داشتند، و سواس ایشان در حفظ بیت‌المال، تقوا و خلوص. امام از نزدیک با ایشان آشنا بودند و روحیاتشان را می‌شناختند مجموعاً اینها باعث می‌شد که افرادی که امام به آنها شناخت داشتند